

طی هفته بر طبقه کارگر و خواسته های آنها چه گذشت ؟

امیرجوهری لنگرودی  
[info@karegari.com](mailto:info@karegari.com)



خبرهای روز شمار کارگری هفته ای را که پشت سر گذاشتیم ، حول موضوعات گوناگونی متمرکز است از جمله : در زندان ماندن علی نجاتی و فراخواندن دیگر باره اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و احضار و بازداشت فعالان کانون نویسندگان و تنی چند از جنبش آزادیخواهی و فعالان محیط زیستی کشور - حقوق های معوقه شهرداری ها - حدت بیکار سازی ها و مبارزه با خصوصی سازی ها - تحرکات غیر متمرکز معلمان و بازنشستگان - نشست چندین باره نمایشی شورای عالی کار و جلوگیری از ترمیم دستمزدها و اعلان آغاز بررسی افزایش دستمزد کارگران - بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل کارگران- تصویب کلیات لایحه بودجه سال آینده در کمیسیون تلفیق مجلس که در چارچوب آن شاهد انجماد دستمزدها در سال پیشروی (۱۳۹۸)، هر چند شروع چانه زنی بر سر دستمزد ۹۸ از هفته آینده (هشتم بهمن) بین ترکیب سه جانبه گرایی مورد نظر ، به گردش در می آید. ولی در شرایط تعیین تکلیف دولت و گارد بسته کارفرمایان و بدون حضور نمایندگان انتخابی واقعی کارگران، آنچه که صورت می گیرد از امروز نگرانی نیروی عظیم توده میلیونی کارگران - به روال هر ساله - تا پایان اسفند ماه را با خود به همراه دارد. به این مجموعه باید سرنوشت سازمان تأمین اجتماعی و شستا- و مانورهای حساب شده رژیم و دستگاه های امنیتی بر ضد جنبش کارگری و دانشجویی و آزادیخواهی و بازداشت ها و صدور محکومیت های جدید را تماما در دل اخبار روز شمار کارگری هفته دنبال کرد .

گزارشات روز شمار کارگری هفته نشان می دهد : اعتراضات هر چند در واحد های کوچک صورت گرفته است اما در نوع خود زنجیره ای و ادامه دار و با افت و خیز های ویژه خود در اینجا و آنجا دنبال می گردد .

برای افکار عمومی جامعه ما آشکار گردید ؛ دروغ دانستن شکنجه کردن فعالان کارگری ( علی نجاتی - اسماعیل بخشی ) و همراه آنان خانم (سپیده قلیان) در زندان جنوب و تهدید آنان از سوی سه قوه قضاییه، دادستان کل و قوه مقننه ، مجریه حسن روحانی و گل کائنات رژیم اسلامی ...از سر استیصال و یاس می باشد . در این فاصله علی نجاتی همچنان در زندان است و باردیگر در برابر مقاومت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان ، سراغشان آمدند و بازداشتان نمودند و به زندان کشاندند!

باید نوشت : در آپارات دستگاه ولایی ، دروغ دانستن و انکار شکنجه شدن زندانیان سیاسی و عقیدتی، دگراندیشان، و فعالان کارگری در زندان ها از سوی رژیم، در واقعیت مسئله شکنجه یکپارچه مدعیان " من هم شکنجه شدم " هیچ تغییری نمی دهد. شکنجه کردن، سیاست و روش پایدار و شناخته شده رژیم در مقابله با همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه و همه مخالفان اندیشه گی نظام اسلامی از فردای قیام

بهمن تا به امروز بوده و هست. بعبارتی شکنجه به درجه‌های گوناگون و متناسب با اوضاع و احوال سیاسی، از سوی رژیم اسلامی به کار گرفته شده و می‌شود.

باید اعلام داشت: اعمال هر سطح شکنجه، پیگرد، و دستگیری فعالان سندیکایی و کارگران گروه بندی های مختلف اجتماعی، بخشی از سیاست حاکمیت اسلامی در برابر پیشروی جنبش کارگری ما بوده و هست.

باید گفت: سرکوب فعالان جنبش مستقل سندیکایی، بازداشت و زندان نمودن و شکنجه کردن فعالان کارگری، معادل سازی های قلبی به نام کارگران، نقض خشن حقوق سندیکایی و حقوق بنیادین کاراست. سیاست‌های رژیم اسلامی بشکل پایه ای در مغایرت کامل با معتبرترین مقوله نامه‌های سازمان جهانی کار و منشور جهانی حقوق سندیکایی کارگران قرار دارد. برپایه اسناد بین‌المللی کار، هیچ کارگری را نمی‌توان به دلیل اعتصاب یا عضویت در سندیکا یا شرکت در مبارزات رفاهی و صنفی- اقتصادی بازداشت نمود یا اخراج و زیر فشار قرار داد. اصل تأمین و تضمین، تمامی حقوق پایه ای و داشتن تشکل مستقل از حقوق آشکار لایه های مختلف جنبش کارگری ایران است.

لذا محکوم کردن شکنجه جسمانی و روانی چهره های شناخته شده کارگری (علی نجاتی و اسماعیل بخشی)، مدافعان این جنبش (سپیده قلیان) بخشی از مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی و دفاع از داشتن تشکیلات مستقل کارگران، در حکم یکی از عرصه‌های عمده مبارزه جنبش مطالباتی اردوی میلیونی کار کشورما است.

#### ادامه اعتراضات و اعتصاب‌های کارگری:

در تمامی دی ما، ما شاهد دهها و صد ها حرکت اعتراضی در سطوح مختلف بوده ایم. توجه به دوسطح مبارزه در بین کارگران شهرداری ها برای وصول حقوق های معوقه و اعتراضات غیرمتمرکز معلمان حول خواسته های تا حال اعلان داشته آنان در طی هفته، اهمیت قابل توجه ای دارد.



در سطح شهرداری ها، پیگیرترین حرکت را کارگران شهرداری مریوان با گشودن سفره خالی و در اعتراض به عدم وصول شش ماه حقوق های معوقه خود به نمایش گذاشته اند. این کارگران درواحد های پاکیزه گی فضای سبز و اداری و شهری مشغول به کار هستند.

همچنین حدود دو (۲) هزارکارگر در مجموعه شهرداری آبادان به صورت رسمی و قراردادی مشغول کارند که مطالبات موعوقه و بیمه ای متفاوتی از صاحب کار طلبکارند. مثلاً حدود ۱۵۰ کارگر شاغل در آتش‌نشانی مطالبات مزدی ماه‌های مهر، آبان و آذر خود را به صورت پایه حقوق بدون دریافت اضافه‌کاری و سایر مزایای مزدی دریافت کرده‌اند. یا مطالبات مزدی ۱۳۰ کارگر واحد اتوبوسرانی در ماه‌های مهر و آبان به صورت کامل پرداخت شده و دستمزد دو ماه آذر و دی خود را از شهرداری طلبکارند. در عین حال پرداخت حق بیمه کارگران اتوبوسرانی نیز در ماه‌های آذر و دی ماه سال جاری به تاخیر افتاده است. کارگران می‌گویند: حدود هزار کارگر نیز که در بخش‌های خدماتی و اداری شهرداری آبادان مشغول کارند که بخشی از دستمزد شهریور ماه خود را به همراه دستمزد

ماه‌های مهر و آبان به صورت پایه حقوق دریافت کرده‌اند. همچنین حدود ۵۰۰ کارگر شاغل در واحد عمران و فضای سبز آبادان پایه حقوق شه‌ریور خود را دریافت کرده‌اند و هنوز خبری از پرداخت مطالبات مربوط به مهر و آبان آنها که قرار بود امروز سوم بهمن ماه پرداخت شود، تا این لحظه نبوده است. (خبرگزاری کار ایران - ایلنا، سوم بهمن ۹۷)

به این مجموعه باید تجمع کارگران فضای سبز شهرداری لوشان به خاطر عدم وصول هفت ماه حقوق معوقه گزارش نمود. همچنین کارگران شهرداری نیشابور که شمار آنها به حدود ۳۰۰ نفر می‌رسد در تماس با خبرنگار ایلنا گفتند: «چندمین بار در ماه جاری در انتقاد به تبدیل وضعیت قراردادهای کاری خود به پیمانی مقابل ساختمان شهرداری و دفتر پیمانکار تجمع کردیم که نتیجه‌ای نصیب‌مان نشد». این کارگران بر آنند: «هر یک از کارگران بابت حق سنوات و اضافه‌کاری تا ۳۰ میلیون تومان از شهرداری طلبکاریم.» (خبرگزاری کار ایران - ایلنا، اول بهمن ۹۷)

### فرهنگیان، بخش جدایی‌ناپذیر جنبش مطالباتی کشورند!



در اعتراض به "خصوصی‌سازی آموزش"، ۲۳ دی‌ماه، بار دیگر "جمعی از معلمان خرید خدمات آموزشی یزد مقابل استانداری یزد تجمع کردند." در ارتباط با به‌اصطلاح "بیمه تکمیلی" - پس از تهدید وزارت آموزش و پرورش که "فرهنگیان باید تا ۲۰ دی‌ماه بین انصراف از بیمه تکمیلی یا تن دادن به قرارداد با بیمه آتیه‌سازان" یکی را انتخاب کنند- فرهنگیان کشورمان "یک کمپین اعتراضی در فضای مجازی ترتیب دادند و شروع به جمع‌آوری امضا" علیه تهدید وزارت آموزش کردند. در این ارتباط یک فعال صنفی معلمان به خبرگزاری ایلنا، ۱۹ دی‌ماه، گفت: "معلمی که یک میلیون و پانصد هزار تومان حقوق می‌گیرد، اگر بخواهد اعضای خانواده ۴ نفره را بیمه کند چیزی معادل ۲۸۰ هزار تومان باید بپردازد." در این مورد ۲۰ دی‌ماه "جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته کرمانشاه مقابل اداره آموزش و پرورش" استان تجمع اعتراضی برگزار کردند. معلمان شاغل و بازنشسته روز ۲۴ دی‌ماه نیز در اعتراض به "بیمه تکمیلی ناکارآمد"، مقابل "سازمان بازنشستگی فرهنگیان" در تهران تجمع کردند. اعتراضات غیر متمرکز این دوره به شکل زنجیره ای شهرهای کرمانشاه - البرز - اردبیل - الیگودرز - یزد - همدان - اصفهان - خراسان و تهران را پوشش داد و همچنان ادامه دارد. در این رابطه باید به پوشش حرکات اعتراضی بازنشستگان فرهنگی - کشوری و لشکری حول: ارتقای شان و منزلت بازنشستگان و شاغلین و مسئله احیای صندوق بازنشستگی با نظارت نمایندگان بازنشستگان و موضوع اصلاح وضعیت ناهنجار و کاملاً ناکارآمد بیمه کنونی بازنشستگان با تامین اعتبار در بودجه سنواتی و یادآوری اینکه "از آنجا که منافع تمامی گروه‌های بازنشستگی به هم گره خورده است، امر اتحاد عمل گسترده و بر خورداری از تشکل مستقل سراسری مبرم‌ترین نیاز ما در دوره کنونی را تشکیل می‌دهد." ، اعتراضات خود را به تحرکات اعتراضی معلمان کشور گره زدند. بازنشستگان در حرکت دوم بهمن خود در تهران و چند مرکز استان و خاصه با شعارهای روشن و بیواسطه تجمع تهران: «شکنجه؛ مستند، دیگر اثر ندارد» پیوند عمیق خود را در همبستگی با کارگران شکنجه شده هفت تپه و فولاد به نمایش گذاشتند.

## ضرورت مبارزه متشکل برای وصول مطالبات جاری:

بر آمد این سطح از تحرکات یاد شده در میان خیل وسیع لایه های مزد و حقوق بگیران کشور خود را نشان می دهد. در رابطه با مضمون اعتراضات چند حوزه خود را نشان می دهد. حقوق های معوقه، واگذاری ها به بخش خصوصی و وضعیت شغلی بیشمار کارگران نظیر آنچه در کشت و صنعت مغان خود را نشان داد و حوزه بعدی در دل تحرکات معلمان برای رودرویی با کالایی شدن نظام آموزشی است.

در ارتباط با شهرداری ها با اینکه تحرکات کم نیست ولی عنصر پراکندگی خود را نشان می دهد. عدم وجود تشکل های مستقل وسیله می گردد که عوامل واسط یعنی انجمن هیا اسلامی و شورای اسلامی کار و بخشا خانه کارگر خود را جلو بیاندازد و بخواهد ترمزی برای پیشروی این سطح از تحرکات گردد.

اینجاست که مسئله برخورداری از تشکل مستقل و همگرایی ها دهن باز می کند و بیش از هر موقع ضرورت وجودی آن احساس می گردد.

باید قلمرو وجودی همه نهاد های خودشانی را خشکاند و شعار محوری برخورداری از حق تشکل و ایجاد تشکل های مستقل را پیش پای همه نیروها مطالبه محور کشاند.

از جانب نظام اعمال هر نوع سیاست هایی ماجراجویانه برپایه واگذاری بخش صنعت، به خودی ها برمبنای ژن برتر، آقا زاده ها و یا هر سلیقه و فوت و فنی، بسان تاراج منابع ارزی کشور خاصه توزیع میلیاردها دلار بین وابستگان این و آن و دهها نهاد که لیست پرشمار یکایک آنان در ردیف جاری بودجه سال ۹۸ خود را نشان داده است، توان پاسخگویی به نیازهای بی درنگ دهها میلیون تن از کارگران و زحمتکشان را سد می نماید تنها نتیجه اش تشدید فقر و محرومیت میلیون ها انسان شریف و زحمتکش، از بین بردن بخش بزرگی از اقتصاد تولیدی، افزودن میلیون تن به صف بیکاران و گسترش بی سابقه ناهنجارهای اجتماعی در سطح جامعه ما خواهد بود. از اینرو امروز بیش از هر وقت، بالا بردن سطح همبستگی، سازماندهی تشکلات مستقل و منسجم، دردل مبارزه های متحد، می تواند رژیم موجود را در برهه چهلمین سال بعد از انقلاب به عقب نشینی مجبور نماید. می توان گفت: تأمین امنیت شغلی، مخالفت پیگیر با سیاست خصوصی سازی، احیا و برپایی تشکل های مستقل کاری در راستای پیوند دادن اعتراض های پراکنده به یکدیگر، عمده ترین عرصه های مبارزه در مقطع زمانی کنونی کشورمان به شمار می آید.